



# قرن بیستم

## قرن دلهره، قرن اضطراب، قرن انقلاب

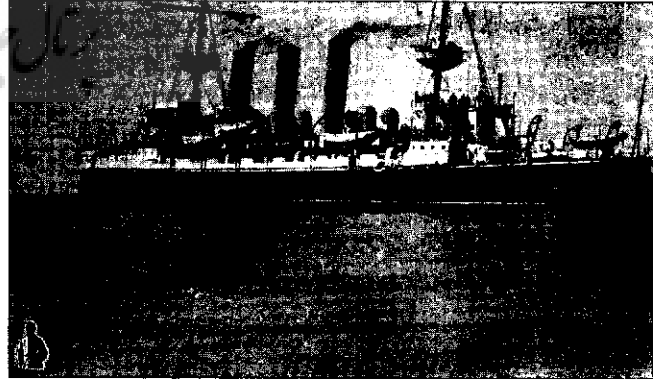
به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

با شما دانش‌پژوهان

مجموعه‌ای که هم‌اکنون پیش‌روی شما است حاصل سال‌ها مسافرت، تحقیق، بررسی، ترجمه، گردآوری، تحلیل، تفسیر و تطبیق هزاران سند، مدرک، عکس، روزنامه، مجله، خبرنامه، بولتن، کتاب، آرشیو، فرهنگ نامه و در عین حال حضور در صدها کتابخانه، مراکز علمی و فرهنگی و دانشگاهی و آماری، نفاذ روزنامه‌ها و نشریه‌های مختلف، شرکت در سمینارها و جلسه‌های عمومی و ملاقات با صدها دانشمند، پژوهشگر، مورخ، نویسنده، استادان سالخورده با تجربه و آگاه، روزنامه‌نگار، گزارشگر، عکاس و ... در ایران و بسیاری از کشورهای دیگر است که با تلاشی بسیار سخت و با اراده‌ای آهنین برای استفاده دانش‌پژوهان آماده شده است.

این مجموعه «قرن بیستم» نام‌گذاری شده است، زیرا «قرن بیستم» قرن پدران ما، قرن ما، قرن فرزندان ما، قرن حادثه، جنگ، ترور، جاسوسی، خشونت، وحشت، التهاب، اضطراب، تغییرات، انقلاب، سیاست، اختراع، اکتشاف، صنعت، برق، اتومبیل، هواپیما، شکسته شدن سرعت صوت، موشک، سرعت نور، فضا، ماه، مریخ، سینما، هنر، موسیقی، معماری، آسمان خراش، المپیک، ایدئولوژی، آپارات، کمونیسم، سوسیالیسم، ناسیونالیسم، بمب اتم، هیروشیما، ناکازاکی و بسیاری شگفتی‌ها، حوادث و رویدادهای خیره‌کننده و باور نکردنی است.

مجموعه‌ای حاضر بیانی است تاریخی، حقیقی، عینی، و حضوری از شگفت‌انگیزترین پیش‌آمدهای طبیعی، انسانی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، پزشکی، صنعتی، اتمی، تسلیحاتی، جنگی و سیاسی از حوادث بسیار مهم و سرنوشت ساز جهان در طول یک صد سال اخیر.



این مجموعه از:

روز دوشنبه یکم ژانویه ۱۹۰۰ میلادی برابر با

روز دوشنبه ۲۹ شعبان ۱۳۱۷ هجری قمری برابر با

روز دوشنبه ۱۱ دی ۱۲۷۸ هجری خورشیدی آغاز و به آخرین

روز قرن

بیستم میلادی و به همان نسبت تاریخ روز شمار، به آخرین روز صد سال

بعد از آغاز ۲۹ شعبان ۱۳۱۷

هجری قمری و به آخرین روز صد سال بعد از آغاز ۱۱ دی ۱۲۷۸ خورشیدی ختم می‌شود.

با تلاشی چشمگیر و شبانه‌روزی و با شوقی فزاینده طی سال‌های متمادی بسیار کوشش شده است این مجموعه‌ی عظیم؛ تاریخی حقیقی، واقعی و عینی از رویدادهای مهم جهان در قرن آشوب‌زده و اضطراب‌آلود ما باشد.

در آغاز روزهای جمع‌آوری و تدارک اسناد و مدارک برای تهیه‌ی این مجموعه در نظر بود به علت حجم عظیم حوادث و روی دادهای قرن بیستم برای هر دوره پنج ساله حداقل یک کتاب مستقل در نظر گرفته شود. پس از برآورهای اولیه از اسناد و مدارک و بولتن‌ها و گزارش‌های خبری تهیه شده برای تدوین این مجموعه و همچنین با تجربه‌ای که در نگارش چاپ کتاب‌های قبلی به دست آمده بود شایسته‌تر به

قرن بیستم، یکی از شگفت‌انگیزترین قرن‌های تاریخ بشری است.

نظر رسید که درباره تعداد قطعی جلد‌های این مجموعه صحبتی به میان نیاید.

بنابراین مجموعه‌ی حاضر در پایان کار از ۲۰ دوره تشکیل خواهد

شد به این شکل که ممکن است یک دوره پنج ساله به علت حجم فزاینده حوادث و رویدادها به جای یک جلد از چند جلد تشکیل شده باشد. پس از هم‌اکنون به هیچ وجه نمی‌توان با قطعیت گفت که مجموعه‌ی کامل قرن بیستم یک مجموعه‌ی ۲۰ جلدی خواهد بود و یا بیش‌تر.



فکر تهیه‌ی این مجموعه از سفری به لبنان و سپس مصر از سال ۱۹۷۵ میلادی برابر با سال ۱۳۵۴ خورشیدی آغاز شد و چنین بود که در دانشگاه آمریکایی بیروت گروهی از استادان و دانشجویان با استفاده از منابع در دسترس، در حال تهیه‌ی مجموعه‌ای تحقیقی برای دانشگاه بودند. در ملاقاتی

تاریخ صد ساله‌ی اخیر بشر، بسیار متفاوت‌تر از تاریخ گذشته‌ی آن است.

که در کتابخانه‌ی این دانشگاه با این گروه داشتم دریافتیم که آن‌ها در حال تهیه‌ی کتابی از مهم‌ترین رویدادهای اقتصادی نیمه‌ی اول قرن بیستم هستند که بخشی از این مجموعه آماده چاپ بود.

در هنگامه‌ی جست‌وجوهای بعدی در آرشیوها و تقسیم بندی کتاب‌ها و منابع و مآخذ به صورتی ناخودآگاه چشمم به مطالب بسیار ارزنده و جالبی می‌افتاد که در نشریه‌ها و روزنامه‌های مختلف درج شده بودند. از همان نگاه‌های اولیه به این همه منابع بی‌پایان که لحظه به لحظه میلیون‌ها و شاید هم میلیارد‌ها انسان را تحت تاثیر قرار می‌دادند به این نتیجه رسیدیم که مجموعه‌ای تهیه کنیم و به نام قرن بیستم تقدیم علاقه‌مندان آن بکنیم. در آغاز کار دلهره‌ام تبدیل به ترسی ناخودآگاه شده بود و می‌اندیشیدم که ورود به این سرزمین ناشناخته و عبور از آن چندان هم حثلی از خطر نیست، به خصوص که موضوع، بسیار کلی و منابع و مآخذ از حد شمارش بیرون بود

و زمان مطالعه برای این کمیّت و کیفیت غول آسا

بسیار کم می نمود.

هدف اصلی من از مسافرت به بیروت و سپس قاهره و اسکندریه دست یافتن به منابع خطی و دستنویس شاهنامه‌ی فردوسی بود که برای تهیه‌ی مجموعه‌ی «حماسه‌ی حماسه‌ها» (شاهنامه‌ی فردوسی) به آن‌ها احتیاج داشتم. بدون انحراف از هدف اولیه در هنگام بررسی نسخه‌های خطی

شاهنامه‌ی فردوسی در آن کشورها و در سال‌های بعد از آن در سرتاسر مراکز علمی و فرهنگی اروپای غربی و شرقی به صورت ناخواسته به اسناد و مدارکی دست یافتم که بعدها

منابع بسیار مهم و معتبری برای تهیه‌ی این مجموعه شدند. در حقیقت فکر نگارش مجموعه‌ای به نام «قرن بیستم» از همان زمان و همان مکان در ذهن من پاکرفت و اگر چه در آغاز کار کورسویی بیش نبود، ولی پس از گذشت مدتی نه چندان کوتاه به همراه یافتن نسخه‌های خطی شاهنامه در مراکز علمی - فرهنگی کشورهای اروپایی، فکر جمع آوری اسناد و مدارک و نشریه‌ها و همچنین بازید از بخش نشریات کتاب خانه‌های معتبر اروپایی چون آتشی سرکش در وجودم شعله‌ور شد.

با پشتکار فراوان به جمع آوری منابع و مآخذ خارجی مشغول شدم و هنوز دوره ۲ جلدی «حماسه‌ی حماسه‌ها» (شاهنامه‌ی فردوسی) از چاپ خارج نشده بود که منابع و اسناد بی‌شماری به زبان انگلیسی، فرانسه و فارسی جمع آوری گردید. در بین نشریه‌های بی‌شمار اروپایی برخی در زمینه‌ی سیاسی، تعدادی در زمینه‌ی اقتصادی و به همین ترتیب، کشاورزی، صنعت، اختراعات، جغرافیا، ورزش، سینما، هنر، موسیقی، شعر، ادبیات، جامعه‌شناسی، فلسفه و... مطالب خود را طبقه بندی کرده‌اند. استفاده از این منابع و مآخذ عظیم از یک سو، و نهن جست‌وجوگر من از سوی دیگر سبب شد تا با راهنمایی یکی از دوستان گرامی و اندیشمندم در سال ۱۹۸۹ میلادی در لندن به منبع ارزشمند دیگری دست یابم.

این کتاب دقیقاً همان چیزی بود که سال‌ها به دنبال آن می‌گشتم. نام کتاب

THE BOOK OF THE CENTURY  
CHRONICLE OF THE 20th CENTURY

«وقایع مهم قرن بیستم» به ترتیب روزشمار بود که ناشر آن مؤسسه‌ی معتبر انتشاراتی لانگمن (LONGMAN) است که این مجموعه‌ی ۱۳۶۰ صفحه‌ای نیز همانند صدها و هزاران برگ مدرک و سند و روزنامه و نشریه‌ی دیگر به عنوان یکی از مآخذ اصلی، مورد استفاده قرار گرفت.



برای به تاریخ روز درآوردن و روزشمار کردن رویدادهای جهان از گاهنامه‌های تطبیقی جهان مانند گاهنامه‌های مسیحی، یهودی، اسلامی، ایرانی و گاهنامه‌های موجود ایران استفاده شد. چنانچه در این امر کاستی مشاهده شود، علت آن ناهمگونی و عدم تطابق گاهنامه‌های موجود با یکدیگر است که به علت تغییرات حرکت زمین و ماه و نوع گردش این دو به دور خود و مشترکاً به دور خورشید، تطبیق روزهای سال در تاریخ‌های ملل مختلف جهان به صورت یک سیستم استاندارد در نیامده است و مطابقت مثلاً روز و هفته و ماه و سال مصری، ایرانی، هندی، سریانی، یونانی، مسیحی، اسلامی،



شماره ۳۳۳

چینی، یهودی و روسی با روز شمار تاریخ هجری قمری و هجری خورشیدی کاری آسان و بدون اشتباه نیست.

در این مجموعه بسیار سعی شده است تا در بیان رویدادهای تاریخی و حوادث قرن بیستم تا جایی که ممکن بوده و هست نظم و ترتیب تاریخی رویدادها حفظ شود. عزیزان دانش پژوه به خوبی آگاهند که تطبیق سه نوع تاریخ

میلادی، هجری قمری و هجری خورشیدی به صورت روز شمار و هماهنگ کردن یک روز به تاریخ میلادی و قمری و خورشیدی و بیان آن به شکل روزشمار نیازمند تهیه‌ی جدول خاص گاهنامه‌ی تطبیقی بوده و کار چندان آسان و کوتاه گذری نیست. اگر چه اندیشمندان بزرگوار در نگارش گاهنامه‌های تطبیقی و هماهنگ کردن تاریخ‌های روزشمار سرزمین‌های مختلف تلاش چشم‌گیری کرده‌اند، اما به کاربردن همین آمار و ارقام و اعداد و جدول‌های موجود برای این منظور خالی از لغزش نیست.

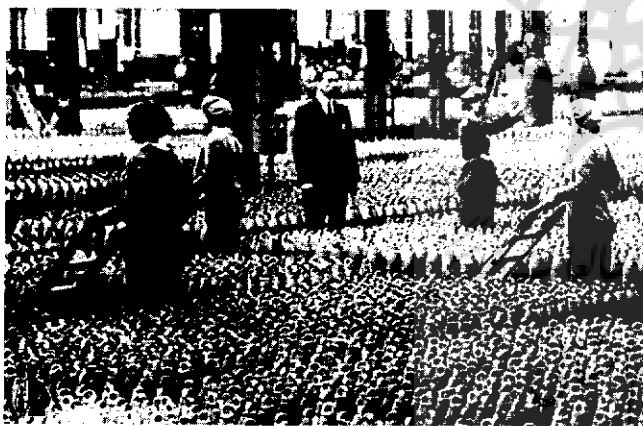
در عین حال نظر خوانندگان دانش‌پژوه را به این مهم جلب می‌نمایم: به علت تطابق نداشتن جدول روزشمار حوادث تاریخی با یکدیگر و برای پرهیز از سردرگمی خواننده برای تشخیص تاریخ معین وقوع یک حادثه در جایی که تاریخ وقوع حادثه قریب به یقین بوده است و در سند اصلی و مآخذ مورد استفاده، تاریخ دقیق رویداد ثبت شده است، نگارنده نیز از روز و ماه و سال

دقیق وقوع حادثه یاد کرده است و اما در جایی که روز و ماه وقوع روی داد مشکوک به نظر رسیده است فقط از تاریخ سال استفاده شده است.

در مجموعه‌ی عظیم تاریخ قرن بیستم، شگفت‌انگیزترین رویدادهای تاریخ صد ساله‌ی ایران و جهان، واقعاتی‌های دیگری را آشکار می‌کنند.

پس با توصل به شعر زیبای مولانا جلال‌الدین بلخی:

در سخن ترتیب و آدابی مجوی هرچه می‌خواهد دل تنگت بگوی



هدف را نتیجه گیری و تجربه اندوزی از رویدادها قرار می‌دهیم و به گذشته می‌نگریم تا چراغ راه آینده ما باشد.

و اما، در بیان رویدادهای تاریخی قرن بیستم و روز شمار تاریخ حوادث این قرن، آن جا که روزشمار سال مسیحی مورد نظر است چنانچه سال میلادی را مبنا قرار دهیم و در نظر نداشته باشیم که معادل آن را در روزشمار هجری قمری و هجری خورشیدی دنبال کنیم، به تاریخ دقیق رویدادها نزدیکتر شده‌ایم. زیرا دانش روزنامه‌نگاری و وقایع نگاری و گزارش‌نویسی علمی در اروپا ده‌ها سال زودتر از قسمت‌های دیگر جهان آغاز شده است و راه دسترسی به منابع و مآخذ و اسناد و مدارک و روزنامه‌ها و نشریه‌های آن‌ها به مراتب آسان‌تر از دیگران و به خصوص کشور ما بوده و یک محقق هرگز در پیچ و خم سیستم نابود کننده بوروکراسی کور گرفتار نمی‌آید و برای دست یافتن به سند و یا مدرک و یا روزنامه و یا گزارش ۵۰ - ۶۰ سال قبل دچار مشکل دست و پاگیر محرمانه بودن سند، منحصر به فرد بودن سند، سیاسی بودن سند، کهنه بودن سند و ... نمی‌شود و به همین



صفحه ۲۴

منظور محققین ما ناچار می‌شوند از شسر و گرفتاری و مشکل جان‌گناه تحقیق‌های تاریخی در کشور ما بگذرند و به منابع خارجی روی آورند و منعکس‌کننده افکار نظریه‌پردازان خارجی باشند و ناخودآگاه تحت تأثیر آن‌ها قرار گیرند.

به واژگان الهی حافظ بسنده می‌کنیم که می‌گوید:

یاری اندر کس نمی‌بینیم، یاران را چه شد دوستی کی آخر آمد، دوستاران را چه شد! آب حیوان تیره گون گشت، خضر فرخ بی کجاست خون چکید از شاخ گل، باد بهاران را چه شد! کس نمی‌گوید که یاری داشت حق دوستی حق شناسان را چه حال افتاد و یاران را چه شد!

شهر یاران بود و خاک مهربانان، این نیار مهربانی کی سر آمد، شهر یاران را چه شد! لعلی از کان مروت بر نیامد، سال‌هاست تابش خورشید و سمی بباد و باران را چه شد! گوی توفیق و کرامت در میان افکنده‌اند کس به میدان در نمی‌آید، سواران را چه شد! صدهزاران گل شکفت و بانگ مرغی برخواست عنلیبان را چه پیش آمد، هزاران را چه شد! زهره سازی خوش نمی‌سازد، مگر عودش بسوخت کس ندارد نوق مستی، می گساران را چه شد! حافظ! اسرار الهی کس نمی‌داند، خموش! از که می‌پرسی که نور روزگاران را چه شد!؟

بیشتر از ۲۵ سال برای تهیه این مجموعه‌ی عظیم وقت صرف شده است.



قبل از آغاز کار در این مجموعه به خوانندگان گرامی پیش آگهی می‌نمیم که اعلان یک حادثه و یا رویداد در این مجموعه در بیان اولیه صرفاً یک «خبر خام» است. یعنی خبری به سبک خبر روزنامه‌نگاران و یا گزارشگران. خبری بدون تفسیر و تعبیر و بدون اشاره به بی‌آمدهای آن و یا پس‌رفت‌های آن. بنابراین در مرحله‌ی گزارشگری و گزارش‌نویسی هدف نهایی، اعلان یک «خبر خام» است و بس. در این مرحله خواننده به اصل خبر دسترسی پیدا می‌کند. در مرحله‌ی بعدی خبرنگار و یا خبرنگار آن را تطیل و تفسیر کرده و خبر را از حالت خامی در می‌آورد. خبرهای گزارشی و تاریخی اگر با چاشنی تحلیل و تفسیر همراه نباشند، غالباً حالتی خشک و یکنواخت می‌گیرند و برای پرهیز از این منظور سعی شده تا جایی که ممکن است از این سیاست در سرتاسر مجموعه پیروی شود. یعنی خبر حتی الامکان با تطیل همراه باشد.

پس حوادث و پیش‌آمدهای این کتاب دو شکل دارند:

- ۱- شکل خبری که صرفاً بیان رویداد یا حادثه و یا پیش‌آمد است. (خبر خام) RAW NEWS
  - ۲- شکل تفسیری که خبر خام را تحلیل و تفسیر می‌کند. (خبر پخته) RIPPED NEWS
- آن چه که باعث می‌شود تا این مجموعه از بار فرهنگی و علمی در خور توجه و بالایی برخوردار بوده و به آن امتیاز ویژه‌ای بخشیده شود، این است که حوادث و رویدادهای سیاسی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، حقوقی و ... بدون هیچ افزایش و یا کاهش بیان شده و در دسترس منابع و مأخذ آن‌ها هیچ‌گونه شکی نیست و اگر حقیقت مطلق نباشند، حقیقت قرین به یقین و نزدیک به مطلق هستند که در تهیه‌ی منابع اصلی و درستی و واقعی بودن آن‌ها تلاش بی‌وقفه و بسیار سختی در طی مدت زمانی بیش‌تر از دو دهه انجام شده است و از این جهت به خوانندگان عزیز آگاهی می‌نمیم که با اطمینان کامل به درستی این رویدادها، آن‌ها را بررسی نمایند.

خام بودن گزارش‌های خبری در این مجموعه‌ی عظیم در جایی که تحلیل و یا تفسیر خاصی از حوادث نشده است، یکی از ویژگی‌های این مجموعه است که درستی و صحت آن‌ها را در حقیقتی انکارناپذیر و عریان بیان کرده و خواننده را در متن و درون حوادث جای می‌دهد. در عین حال نظرخوانندگان دانش‌پژوه را به این موضوع جلب می‌کنیم، برای این که خود را در داخل رویدادها و حوادث بی‌شمار این مجموعه ببینند سعی شده است که تا جای ممکن اگر چه حوادث ده‌ها سال پیش اتفاق افتاده‌اند، در کاربری زبان

دستوری از فصل زمان حال استفاده بشود.

و اما، حدود نیمی از این مجموعه که تا پایان سال ۱۹۶۰ میلادی برابر سال ۱۳۵۶ قمری و برابر سال ۱۳۱۹ خورشیدی را شامل می‌شد با استفاده از منابع خارجی در سال ۱۳۷۱ آماده چاپ بود و به همین منظور در صفحه‌های پایانی کتاب

**«حماسه‌ی حماسه‌ها» (شاهنامه‌ی فردوسی) نگارش همین نگارنده که در سال ۱۳۷۱ توسط انتشارات ویسمن (انتشارات شاهنامه) چاپ شده است به چاپ قریب الوقوع کتاب «آخرین صد سال» قرن نهم، قرن وحشت، قرن آشوب، نیز اشاره شده بود که به جهت مشکلات فرا راه تحقیق و در دسترس نبودن مأخذ و منابع موجود فارسی در کتاب خانه‌های معتبر ایران به خصوص از آغاز مشروطیت تا پایان دوره سلطنت رضا شاه و اهمیتی که درج بدون چون و چرای این حوادث تاریخی برای نگارنده داشت، چاپ این مجموعه تا امروز به تأخیر افتاد. آخرین کلام این که، در بیان وقایع تاریخی و آن چه که در این مجموعه گردآمده است، به ویژه در جایی که بدون استناد و اشاره مستقیم به اسناد و مأخذ اصلی مطالبی بیان شده است، حاشا که بجز حقیقت و واقعیت و ترجمه و بیان واقعی رویداد و گزارش‌نویسی و واقع‌نگاری و نگارش عین مطالبی که در دسترس قرار گرفته و یا شنیده شده و یا آشکارا مشاهده گردیده است، موضوع، مطلب و یا چیز دیگری بیان شده باشد. نگارنده در بیان پیش آمده‌ها مرکز تابع احساسات تحریک شده و زدوکنز نشده و با دقت زیاد و وسواسی که در امانت‌داری و بیان وقایع و پیش‌آمدها دارد، همان مطلبی را ترجمه، تحلیل، تفسیر، ثبت و یا بازنویسی کرده است که واقعیت داشته، زوی داده و بوده است و نه چیز دیگر و این شیوه‌ای است که طی مدت زمانی ۲۰ ساله در زمینه‌ی گزارش‌نویسی، روزنامه‌نگاری، ترجمه، تحقیق و نگارش پای‌بند آن بوده و هست و خواهد بود.**

به کلامش بنگرید:

**شعر من**

- شعر من! افسانه نیست.
- شعر من! پروانه نیست.
- شعر من! شمع و چراغ و لاله‌ای در خلوت می‌خانه نیست.
- شعر من! مدح امیری بی‌ادب، یا که شاهی تاج دار و ظلم گستر، یا رثای حاکمی دیوانه نیست.
- شعر من، رودی خروشان است.
- شعر من! که آغازش تویی.
- شعر من! بی‌داد رنجی بی سرانجام است، که پایانش منم ...

